



## ماجرای بسته شدن خیابان برای اهدای قلب

گفت و گو با رئیس سازمان اورژانس تهران درباره ماجرای فرود بالگرد در بولوار تالش و تلاش برای انتقال قلب اهدایی که ویدئویش در فضای مجازی پربازدید شد

مجیدی | روزنامه نگار

انتشار ویدئویی از فرود یک بالگرد وسط یکی از بزرگراه‌های تهران که با همکاری نیروی انتظامی و مشارکت تحسین برانگیز مردم همراه شد، در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های زیادی را در پی داشت و پربازدید شد. این بالگرد در خیابان ارتش تهران برای انتقال یک قلب اهدایی فرود آمده بود تا در ادامه قلب اهدایی با یک آمبولانس به بیمار برسد. در مینی پرونده امروز زندگی سلام، تنها ساعتی بعد از این اتفاق جالب، با دکتر «یحیی صالح طبری»، رئیس سازمان اورژانس تهران درباره ماجرای انتقال قلب اهدایی و آخرین وضعیت بیمار در یافت‌کننده، گفت‌وویی داشتیم.



❖ **ثانیه‌ها در این نوع عملیات حکم‌رکن زندگی را دارند**  
رئیس اورژانس تهران درباره این ویدئو می‌گوید: «روز جمعه قلب اهدایی از شیراز توسط اورژانس کشور به فرودگاه مهرآباد منتقل شد. چون در این عملیات ثانیه‌ها اهمیت دارند؛ شیوه کلی ما زمان‌هایی که قلب اهدایی با هواپیما به فرودگاه مهرآباد می‌آید، این است که از آن‌جا هم برای این که زمان از دست‌ندهم با بالگرد آن را به بیمارستان‌های داخل تهران می‌رسانیم. بیمارستان‌هایی که پدفرود بالگرد دارند، طبیعتاً بالگرد به خود بیمارستان می‌روند؛ آن‌هایی که ندارند، همکاران حوزه انتظامی نزدیک‌ترین محل به بیمارستان را که از قبل با آن مرکز در مانی هماهنگ شده و برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شده، می‌بندند و ما در کمترین زمان قلب را خارج می‌کنیم. اگر شما دقت کرده باشید، در همین ویدئو ما در کمتر از ۲ دقیقه قلب را از بالگردی که فرود آمده خارج می‌کنیم و به آمبولانس می‌رسانیم.»

❖ **بیمار در یافت‌کننده این قلب در بیمارستان مسیح‌دانشوری بود**  
«از آن‌جا که گیرنده قلب در بیمارستان مسیح‌دانشوری حضور داشته و این بیمارستان فاقد یک بالگرد است، بولوار ارتش برای فرود بالگرد، با همکاری پلیس دقایقی بسته شد.» دکتر طبری، ادامه می‌دهد: «ما دو قلب اهدایی داشتیم که از شیراز به تهران آمد. یکی از آن قلب‌ها، مستقیم از فرودگاه رفت بیمارستان امام خمینی (ره)، دومین قلب باید به بیمارستان مسیح‌دانشوری می‌رفت. ویدئوی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی که یک بالگرد در وسط بولوار ارتش فرود آمد، مربوط به همین قلب اهدایی بود. این فرود ناگهانی نبود، نزدیک‌ترین جا به بیمارستان مسیح‌دانشوری که بالگرد امکان فرود داشت، بولوار ارتش بود. در نهایت قلب اهدایی پس از فرود بالگرد با موفقیت تحویل آمبولانس داده شد.»

❖ **از همکاری مردم لذت بردیم**  
او درباره همکاری مردم در بستن خیابان هم می‌گوید: «در این ویدئو همان‌طور که شما هم دیدید، مردم بسیار همکاری کردند و همه لذت بردیم. ببینید اهدای عضو کار سبکی نیست. من خودم را یک لحظه تصور می‌کنم که فرزند جوانم به هر دلیلی، دچار مرگ مغزی شده است. من هم اگر بخواهم اهدا کنم، اطرافیان روی من فشار می‌آورند که شاید دوباره علائم حیاتی‌اش برگردد. بنابر این پدر یا مادری که اجازه این کار را می‌دهد، اجر بسیار زیادی دارد و مسئولیت سنگینی روی دوش ما می‌گذارد و ما جای هیچ اشتباهی نداریم. مردم هم باید این ماجرا را بدانند و در این ماجرا همکاری بسیار خوبی داشتند و دارند. یک فرهنگ‌سازی خوبی با انتشار این ویدئو اتفاق افتاد.» او درباره آخرین وضعیت بیمار گیرنده قلب هم می‌گوید: «کارها و عملش انجام شده و موفقیت‌آمیز بوده. الان در آی‌سی‌یو است و دارد ریکاوری را پشت سرمی‌گذارد و امیدوارم زودتر به بخش منتقل شود.»

# ساخت مدرسه با پول توجیبی ۲۸۴ دانش‌آموز

گفت و گو با «کاظم دلیلی»، خیر مدرسه‌ساز درباره طرح‌های جالبش

و ساخت مدرسه‌ای که کاشی‌های حیاطش با نام ۲۸۴ دانش‌آموز نیکوکار تزیین شده است

مجید حسین‌زاده | روزنامه نگار

پرونده

دانش‌آموزان یک مدرسه در حوالی منطقه نارمک تهران، همه توجهات را به سمت خودشان جلب کرده‌اند. دانش‌آموزانی که با پول توجیبی‌شان هزینه ساخت یک مدرسه دیگر را تقبل کرده‌اند تا میانگین سنی خیران مدرسه‌ساز را به طرز عجیبی پایین بیاورند. حالا همسایگان آن‌ها می‌توانند در یک مدرسه دیگر درس بخوانند. دیوار حیاط

مدرسه دبیرستان پسرانه «نوجوانان» با ده‌ها کاشی فیروزه‌ای تزیین‌وروی هر کاشی یک اسم و فامیل نوشته شده است؛ اسم و فامیل دانش‌آموزانی که در ساخت تنها مدرسه «متریک» کشور سهیم شده‌اند. آجر به آجر این مدرسه با پول توجیبی و پس‌انداز ۲۸۴ دانش‌آموز بالا رفته است. «کاظم دلیلی»، بانی و مجری طرح متریک و از خیران مدرسه‌ساز با سابقه، درباره این طرح گفته است: «در طرح متریک هر دانش‌آموز هزینه ساخت یک متر مربع مدرسه را می‌پردازد و تا قدمی ولو کوچک برای مدرسه‌سازی بردارد.» ضمن آرزوی سلامتی برای او که از شش ماه پیش به سرطان مبتلا شده و باید هر روز برای پیگیری درمانش به بیمارستان مراجعه کند، در پرونده امروز زندگی سلام با «دلیلی» درباره ماجراهای ساخته‌شدن این مدرسه، مشارکت دانش‌آموزان و... گفت‌وگو خواهیم کرد.

## با ویر وقت آموزش و پرورش تا ساعت ۱۱ شب در پیلوت مدرسه بحث کردم

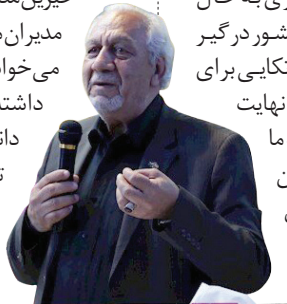
«اولین مدرسه مشارکتی کشور به نام اولیا در منطقه ۴ ایجاد کردم و در سال ۷۴ این مدرسه احداث شد؛ باین که هیچ کمک دولتی برای آن گرفته‌نشده». او درباره این مدرسه می‌گوید: «در مراسم افتتاحیه‌اش، وزیر وقت آموزش و پرورش حضور پیدا کرد و زمانی که متوجه طرح من شد، هر چند قرار بود بعد از افتتاح سریع تشریف ببر اما ماند تا ۱۱ شب در پیلوت مدرسه با هم بحث کردیم و آن‌جا تصمیم به این گرفته شد که من طرح خیرین مدرسه‌ساز را در کشور پیاده کنم. تقریباً دو ماه وقت گذاشتم و اساس نامه‌ای تنظیم شد و در نهایت در سال ۱۳۷۷ اولین گروه خیران مدرسه‌ساز استان تهران تأسیس شد. بعد از آن به لطف پروردگار و مردم مسئولیت‌شناس کشور مان که همیشه در کارهای خیر پیش قدمی می‌شوند، هر سال تعداد خیرین مدرسه‌ساز ما افزایش پیدا می‌کند به حدی که بعضی سال‌ها، بودجه‌ما از بودجه عمرانی آموزش و پرورش برای ساخت مدرسه هم پیشی می‌گرفت.»

## دلنوشته‌های دانش‌آموزان جرقه ایده ساخت مدرسه نوجوانان را در ذهنم زد

این خیر مدرسه‌ساز درباره ماجرای مدرسه نوجوانان که با نام ۲۸۴ دانش‌آموز نیکوکار تزیین شده است، می‌گوید: «چراغ اصلی این طرح را دانش‌آموزان در ذهن من روشن کردند. آن‌ها انشا و دلنوشته‌هایی را برای من می‌فرستادند و من می‌دیدم که این دانش‌آموزان علاقه مفراطی به خیر شدن دارند، مثلاً می‌نوشتند که ای کاش ما هم می‌توانستیم خیر مدرسه‌ساز شویم و ولی این امکان وجود ندارد. همین ماجرا جرقه‌ای شد برای من که چرا این حسن خوب را نباید به این دانش‌آموزان انتقال دهیم و امکان تجربه‌اش را برای‌شان فراهم کنیم؟ بنابر این از خیرین همین منطقه، یک گروهی را تشکیل و این طرح را به آن‌ها پیشنهاد دادم. خوشبختانه این افراد موافقت کردند و پیگیر ما جگر شدم.» او ادامه می‌دهد: «من همیشه در افتتاحیه‌های مدارس مشارکتی به خیران می‌گویم شما از زیر کترین باهوش‌ترین افراد هستید که پول‌های‌تان را به این حوزه فرهنگ‌ساز، آدم‌ساز و... هدیه می‌کنید. اتفاقاً همین شرایط را من در بچه‌ها دیدم. یعنی در مدرسه وقتی بررسی کردم که ببینم چه دانش‌آموزهایی از این کار استقبال کردند، دیدم تیزهوش‌ترین دانش‌آموز می‌آمد و از طریق اولیا پیش درخواست سهیم‌شدن در ساخت مدرسه را می‌داد. وقتی خیلی استقبال شد، گفتیم هر دانش‌آموز می‌تواند به اندازه یک متر مربع در ساخت، شریک شود، حداقل را یک متر مربع در نظر گرفتیم تا اگر در این کار سهیم شد، خیر مدرسه‌ساز شود. آن‌زمان که ما شروع کردیم، هر سهم یک میلیون تومان شد. قصد مان هم این بود که پول توجیبی بچه‌ها باشد. در همین زمینه، بعضی دانش‌آموزان جوری سبقت گرفتند که ما نتوانستیم بقیه را سهیم کنیم که این‌ها رازرو کردیم برای پروژه‌های بعدی. ۵۰ در صد بودجه مورد نیاز ساخت این مدرسه از طریق دانش‌آموزان و بقیه‌اش را هم از خودمان و دیگر اولیا تامین کردیم و این تابلوی بسیار ارزنده‌ای که در دل دیوار مدرسه با نام ۲۸۴ دانش‌آموز مزین شده، کار ماندگاری شد.»

## از خانواده ما ۳ نسل خیر مدرسه‌ساز شدند؛ پدر بزرگ، فرزند و نوه

مجری طرح متریک درباره این که دانش‌آموزان تا چند سهم برای ساخت این مدرسه، بانی شدند هم می‌گوید: «برای شروع خودم، فرزندانم، نوه‌هایم و اعضای مجمع خیرین مدرسه‌ساز و خانواده‌هایشان در این طرح پیشقدم شدیم و سپس با کمک مدیران مدارس آن‌را به دانش‌آموزان انتقال دادیم. دانش‌آموزانی که دلشان می‌خواست به عنوان خیر مدرسه‌ساز سهمی در نوسازی و ساخت مدارس داشته باشند از آن استقبال کردند. کمک و میزان سهیم‌شدن خیلی از دانش‌آموزها از پول توجیبی خودشان بود. برای هر سهم، یک میلیون تومان در نظر گرفتیم. تعدادی از دانش‌آموزان با کمک اولیای‌شان تا ۵۰ سهم خریدند. الان تقدیر نامه‌ای که به این دانش‌آموزان دادیم، زینت اتاق‌شان شده است. هر سهم یک میلیون، رقم بالایی نبود چون بیشتر این دانش‌آموزان، موبایل و تبلت‌شان چندین برابر این سهم می‌ارزد. این مسئله یک کار مشارکتی عظیمی بود که نتیجه‌اش، ساخت متفاوت‌ترین مدرسه کشور شد.»



اولین گروه‌های دانش‌آموزان خیر مدرسه‌ساز

## این جا آر استه‌ترین مدرسه منطقه است

به گفته مدیران آموزشی و معلم‌ها، دانش‌آموزان مدرسه‌ای که در این طرح شرکت کرده و سهمی در ساخت مدرسه داشته‌اند، تعلق خاطر خاصی به مدرسه دارند و آن‌را مثل خانه خودشان دوست دارند. «دلیلی» در این باره می‌گوید: «این مدرسه یکی از تمیزترین و آر استه‌ترین مدارس منطقه است چون دانش‌آموزان آن در پاک‌سازی و به‌سازی آن مشارکت می‌کنند، به عبارت دیگر این جا را خانه دوم خودشان می‌دانند. البته این را هم باید اشاره کنم استاندارد فضای آموزشی برای یک دانش‌آموز، ۸/۵ متر مربع است اما متأسفانه در تهران که پایتخت کشور است، ۴/۲ متر به هر دانش‌آموز می‌رسد. الان بچه‌ها در بعضی مدارس حتی یک حرکت کششی ساده هم نمی‌توانند انجام دهند چون خیلی فشرده هستند. طبیعتاً وقتی والدین این صحنه‌ها را می‌بینند، علاقه‌مند می‌شوند حتی اگر شده از هزینه‌های زندگی‌شان بزنند تا به مدرسه‌سازی کمک کنند. شاید برای‌تان جالب باشد که من تعداد بسیاری از این خیرین را می‌شناسم که با کمک برای یک مدرسه شروع کردند اما بعدش در بازسازی ۱۲۰ مدرسه مشارکت کردند.»

## نام یکی از مدارسم را به اسم شهید «صارمی» مزین کردم

«من الان فقط با حقوق بازنستگی زندگی‌ام را می‌گذرانم اما این لطف خداوند در حق من است که بتوانم برای مدرسه‌سازی به کشورم خدمت کنم.» او ادامه می‌دهد: «زمانی که سیل سه استان کشور را فرا گرفته بود از جمله گلستان، خوزستان و لرستان، شنیدم در یکی از روستاهای لرستان، بچه‌ها در کانکس تحصیل می‌کردند. من پیشنهاد کردم که یک مدرسه سه کلاسه در آن روستا ساخته شود و هنوز هم فرصت نکردم به آن‌جا بروم ولی خوشبختانه الان دانش‌آموزان در آن مدرسه درس می‌خوانند. چند وقت پیش اهالی آن روستا با من تماس گرفتند که ما یک شهید خبرنگار داشتیم به اسم شهید صامی، آرزو داشتیم که نام تنها مدرسه روستای‌مان را به اسم ایشان بگذاریم و من به سرعت موافقت کردم. اصلاً باورشان نمی‌شد چون اداره نوسازی مدارس اجازه نمی‌داد و می‌گفت حتماً باید به نام خیر باشد. من گفتم اصلاً مانعی ندارد چون کار برای رضای خدا بوده، حتماً این کار را بکنید و این مدرسه را به نام شهید «صارمی» مزین کنید چون من بیشتر ارضی هستم.»



## می‌خواهم ۵ میلیون دانش‌آموز مدرسه‌ساز داشته باشیم

«دلیلی» درباره اهداف و آرزوهایش هم در ۷۷ سالگی می‌گوید: «بعد از افتتاح مدرسه نوجوانان، دانش‌آموزان و پدر و مادرهای زیادی از ما درخواست کردند که در این طرح مشارکت کنند. من خوش‌بین هستم و این مسئله را در خودم می‌بینم که وقتی ما در کشور ۱۵ میلیون دانش‌آموز داریم، در یک فرصت پنج ساله، بتوانیم حداقل یک سوم از این دانش‌آموزان یعنی پنج میلیون نفر را خیر مدرسه‌ساز کنیم و این‌ها سرمایه عظیمی برای کشورمان خواهند شد. البته این مسئله لازم‌ه‌اش این است که مسئولان آموزش و پرورش حمایت کنند. با وزیر جدید هم دو ماه قبل صحبت کردم و استقبال کردند که این طرح در کشور پیاده شود و نیاز به حمایت ایشان برای تحقق این هدف داریم. تنها آرزوی من قبل از رفتن به دیار باقی، این است که پنج میلیون خیر دانش‌آموز به وطنم اضافه کنم.»

## انگیزه ساخت مدرسه در ۷۷ سالگی سرپا نگهم داشته است

قبل از شروع گفت‌وگوی مان درباره مدرسه نوجوانان، «دلیلی» درباره شرایط این روزهایش می‌گوید: «الان که بازنشسته هستم ولی قبل از آن، کارمند بخش اداری دانشگاه بودم. حالا هم به دلیل بیماری سرطان، ۵ یا ۶ ماه است که هر روز به بیمارستان برای برتوتورمانی می‌روم اما اگر بتوانم خدمتی در راستای هدفم داشته باشم، انرژی می‌گیرم. در این مدت که مدرسه‌سازی اولویتم شده و بیش از ۴۰ سال است که تمامی تلاشم را برایش می‌کنم و وقت می‌گذارم، لذت بی‌نظیری را تجربه کردم و انرژی خاصی هم به من دست داده که شاید همان‌ها من را در ۷۷ سالگی در مبارزه با سرطان سرپا نگه داشته و حالا این توان را پیدا کرده‌ام که باز هم تلاش کنم و این تجربه را انتقال دهم.»

## دغدغه‌هایم برای ۴ پسرم باعث شد مدرسه‌ساز شوم

«دلیلی» درباره این که چرا تصمیم به فعالیت‌های خیرخواهانه در زمینه مدرسه‌سازی گرفته است، می‌گوید: «من چهار فرزند پسر دارم که از لحاظ سنی، پشت سر هم هستند. دهنده ۷۰ این‌ها در یک مدرسه ابتدایی، مشغول تحصیل بودند و به دلیل دغدغه‌ای که من در مرحله اول برای فرزندان خود داشتم و این‌را وظیفه هر اولیایی می‌دانم که دغدغه تربیت و آموزش فرزند را در خانه دوست که مدرسه است، باز هم داشته باشند، بارفت‌وآمد و پیگیری‌هایم به عنوان رئیس انجمن مدرسه انتخاب‌شدم و بیش از ۱۲ سال، آن‌جا بودم؛ اما چرا تصمیم به مدرسه‌سازی گرفتم؟ مدرسه پسرهایم در ابتدا یک نوبته بود. این مدرسه در منطقه پاسداران تهران بود، آن‌زمان آوارتمان‌سازی به‌طور ناگهانی شروع شد و این منطقه که به اندازه چند استان کوچک کشور وسعت دارد، تراکم دانش‌آموزی‌اش بسیار بالا رفت. خود به خود، مدرسه به نوبت دوم کشیده شده و هر کلاس، ۴۰ یا ۴۵ نفر دانش‌آموز داشت. یک بار نماینده معلمان آمد و خیلی تندو پر خاشاکانه به من گلایه کرد که آقای «دلیلی»، شما چه توقعی از معلم‌های این مدرسه دارید که ما نمونه شویم؟ کلاس‌های ۴۵ نفره قابل کنترل نیست و...، یک فکری به حال این مدرسه بکنید. این گله هر چند تند بود اما من با سعه‌صدر این انتقاد را گوش و عمیقاً فکر کردم که این گله به حق است و من باید به عنوان مسئول انجمن این مدرسه، فکری به حال رفع این مشکل بکنم. آن‌زمان کشور درگیر جنگ تحمیلی بود و بودجه قابل‌اتکایی برای ارتقای فضای آموزشی نداشت. در نهایت من انجمن را جمع کردم و گفتم که ما باید حداقل یک مدرسه در کنار این مدرسه بسازیم تا فرزندان خودمان رانجام دهیم. ۲۲ نفر در انجمن بودند و فقط پنج نفر به من لبیک گفتند اما چون مصمم بودم، شروع به ساخت مدرسه‌ای در کنار این مدرسه کردم.»